



## بزرگداشت مجاهدین و شورشگران سر به دار

۲۱ فروردین ۱۴۰۵

### مریم رجوی : خون بهای آزادی و صلح پایدار در ایران و منطقه

روز جمعه ۲۱ فروردین، کنفرانسی در گرامی داشت مجاهدین و شورشگران سر به دار، با عنوان فراخوان به اقدام فوری برای توقف اعدام زندانیان مجاهد و مبارز و شورشگران دلیر برگزار شد. در این کنفرانس، مجاهدان اشرف به صورت آنلاین شرکت داشتند. در این کنفرانس، شخصیت‌های سیاسی از جمله: خانم دوپلور گملین وزیر پیشین دادگستری و فرانتس جوزف یونگ وزیر پیشین فدرال آلمان، جان برکو سنخگوی پیشین مجلس عوام انگلستان، ژان پیر اسپیتزر وکیل برجسته فرانسه و ژان فرانسوا لوگاره، رئیس انستیتوی فمو و شماری از شهرداران فرانسه سخنرانی کردند. مریم رجوی در شروع این کنفرانس خطاب به شرکت‌کنندگان در برنامه گفت:

حضار محترم، هموطنان دردمند و به جان آمده از استبداد و سرکوب و جنگ،

زندانیان سیاسی، قهرمانان زیر حکم اعدام

مجاهدان خلق در اشرف ۳!

سلام و درود بر همه شما.

مجاهدان خلق، محمد تقوی، اکبر دانشور کار، بابک علی پور، یویا قبادی، ابوالحسن منتظر و وحید بنی‌عامریان که در قله مقاومت و رزم‌آوری سر به دار شدند و هفت جوان شورشگر، صالح محمدی، مهدی قاسمی، سعید داوودی، امیرحسین حاتمی، محمدمامین بیگلری، شاهین واحدپرست و علی فهیم، که به جرم رزم‌آوری اعدام شدند، شهیدان صلح و آزادی هستند.

رژیم با اعدام این قهرمانان، در بحبوحه یک جنگ خارجی نشان داد که دشمن اصلی خود را خلق به‌پاخاسته و مقاومت سازمان‌یافته می‌داند.

رژیم مرگ‌زده، آن‌ها را سراسیمه اعدام کرد تا از قدرت پوسیده خود در برابر قیام‌های بعد از جنگ حفاظت کند. اما این شهیدان، آتش قیام‌ها را بیش از همیشه شعله‌ور می‌کنند. در ۴۵ سال گذشته، از جنگ هشت‌ساله خمینی با عراق، تا دو جنگ اخیر، این مقاومت آزادی‌ستان پرچم صلح و آزادی را محکم در دست فشرده و به‌خاطر آن قیمت خونینی پرداخته است. این شهیدان خون‌بهای آزادی و استقلال ایران‌اند. خون پاک آن‌ها محاسبات رژیم و بقایای شاه و آل‌ترناتیوهای ساختگی و ضددموکراتیک علیه مردم و مقاومت ایران را برهم زد. این شهیدان خون‌بهای صلح‌پایداری هستند که بر ایران و تمام منطقه سایه‌گستر خواهد شد. برمی‌خیزیم و برای این شهیدان سرفراز دست می‌زنیم.

### مقاومتی که پرچم صلح و آزادی را برافراشت

در قیام دی‌ماه، خامنه‌ای هزاران جوان و نوجوان را به جرم شرکت در قیام به قتل رساند و پیکرهای پاک‌شان را در کیسه‌های سیاه در تلویزیون خود نمایش داد. قطعاً مردم ایران به این حکومت شوم، به حکومت کیسه‌های سیاه، حکومت دار و اعدام و حکومت جنگ و ویرانی و فقر و پریشانی، قاطعانه خاتمه خواهند داد. مقاومتی که پرچم صلح و آزادی را برافراشته، یک جایگزین شایسته و نیروی سرنگونی یعنی قیام‌سازمان‌یافته با کانون شورشی و ارتش آزادی است. امروز بیش از هر زمان دیگر اثبات شد که راه‌حل، نه مماشات است و نه جنگ، بلکه سرنگونی به‌دست مردم و مقاومت سازمان‌یافته آن‌هاست. اثبات شد که جنگ اصلی میان مردم ایران و استبداد دینی است. برای همین است که بعد از این همه اعدام، اژه‌ای سرجلاد قضاییه به قضات خونریز رژیم دستور می‌دهد «احکام مجازات ... را با سرعت بیشتری صادر کنند». سخنگویان رژیم نسبت به عملیات فروغ ۲ هشدار می‌دهند. زیرا آشکارا از پیامدهای صلح و آزادی می‌ترسند. از پیروزی انقلاب دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک به خود می‌لرزند.

بر این اساس؛ ما از آتش‌بس به‌ویژه توقف حملات به زیرساخت‌ها و تأسیسات مدنی استقبال کردیم. امیدواریم آتش‌بس ۱۵ روزه بر خلاف خواست بقایای شیخ و شاه به پایان جنگ منجر شود و مسیر صلح و آزادی را هموار کند.

صلح‌پایدار هم‌چنان که مقاومت ایران از ۴۵ سال پیش تأکید کرده، تنها با سرنگونی این دیکتاتوری تروریستی و جنگ‌افروز توسط مردم و مقاومت سازمان‌یافته و برقراری جمهوری دموکراتیک محقق می‌شود. تأکید می‌کنم توقف اعدام‌ها در ایران به‌عنوان خواست تمام مردم ایران باید در هر توافق بین‌المللی گنجانده شود. به‌خصوص که اکنون بچه خامنه‌ای برای حفظ این حکومت در حال احتضار به اعدام روزمره جوانان ایران ادامه می‌دهد، در عین حال به‌نحو مضحکی مدعی پیدا کردن ۱۷ میلیون جان‌فداست.

اما اگر راست می‌گویند هم‌چنان که مقاومت ایران همواره اعلام کرده است یک انتخابات آزاد مجلس مؤسسان یا ریاست جمهوری را تحت نظر ملل متحد بر اساس اصل حاکمیت جمهور مردم، و نه حاکمیت آخوند قبول کند! ما ۳۰ سال پیش برای شرکت در چنین انتخاباتی با تضمین‌های کافی و تحت نظارت ملل متحد اعلام آمادگی کردیم. در سال ۹۳ نیز در پاسخ به ادعای آخوندها که این مقاومت در داخل ایران پایگاهی ندارد، گفتیم: «آزادی و امنیت اعضا و هواداران این مقاومت را تأمین کنید تا یک راهپیمایی در خیابان‌های تهران برگزار کنند آن وقت می‌بینید که چگونه سراپای رژیم‌تان را در می‌نوردند».

## نسل بی‌شماران

از اولین روزهایی که بی‌دادگاه‌های رژیم با زیر پا گذاشتن همه موازین عادلانه و استانداردهای قضایی بین‌المللی گروه گروه زندانیان مجاهد و مبارز را به اعدام محکوم کردند، به‌طور مستمر در سطح بین‌المللی این احکام ظالمانه را فاش کردیم. در مجلس فرانسه، پارلمان اروپا، مقر ملل متحد در ژنو، ایتالیا، برلین، هلند و در همین جا، بارها عکس‌های زندانیان محکوم به اعدام را نشان دادم و هشدار دادم که جان این زندانیان در خطر است و مثل همه این سال‌ها گفتم مادامی که در برابر نقض حقوق بشر مردم ایران توسط این رژیم نایستید، هرگز نمی‌توانید راه جنگ‌افروزی و تروریسم و برنامه بمب‌سازی اتمی‌اش را هم ببندید.

متأسفانه گوش شنوایی پیدا نشد و سکوت و رویگردانی حاکم بود و از آن بدتر، حتی جنایت‌های رژیم نسبت به اعضای این مقاومت را سانسور می‌کردند.

در چنین شرایطی بود که این مجاهدان از جان گذشته، این دلیران شورشگر از مواضع و آرمان حق‌طلبانه مردم ایران دفاع کردند و سرانجام با خون‌ها و جان‌های خود آن سکوت و سانسور را رسوا و افشا کردند.

به این نسل بی‌شمار درود که جز با زبان نبرد و قیام با رژیم سخن نمی‌گوید.

به خانواده‌های شهیدان سربهدار به‌خصوص مادران و پدران پایدار و مقاوم‌شان درود.

این زنان و مردان شجاع در دوران اسارت فرزندان‌شان، از جلوداران کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام بودند. بعد از شهادت آن‌ها هم، حتماً که پرچم شرف و ایستادگی را به اهتزاز درمی‌آورند و خود مایه پشتگر می‌سایر هموطنان در این مبارزه می‌شوند.

درود بر آن‌ها!

آخوندها در این سالیان، به هر فریبکاری و تقلایی دست زدند تا این واقعیت را بپوشانند که نسل رویانی از جوانان به‌پاخاسته، به مجاهدین و کانون‌های شورشی پیوسته است.

صدها سریال و فیلم و نمایشگاه ساخته‌اند تا نسل جوان را از مجاهدین دور کنند. صدها کتاب، پر از دروغ و تهمت و هزاران خبر و مقاله جعلی منتشر کردند، تا هدف و آرمان و تاریخچه و تشکیلات مجاهدین را بی‌اعتبار و مخدوش کنند.

هیچ زمانی نبود که تظاهرات یا نماز جمعه‌های ریایی‌شان بدون شعار مرگ بر منافق برگزار شود. حالا می‌بینند که زهرپاشی‌ها و تبلیغات مسموم‌شان نقش بر آب شده و جوانانی که در پی رهایی جامعه و کشورشان بر می‌خیزند، گمشده خود را در مجاهدین پیدا می‌کنند.

خواب و خیال بیهوده آخوندها از روز اول حاکمیت خمینی تا امروز، نابودی مجاهدین بوده است. در کشتار هولناک سال‌های اول دهه ۶۰ بارها گفتند این جنبش را نابود کرده‌اند و دیگر کسی باقی نمانده است. در سال ۶۷ خمینی به نسل‌کشی و قتل‌عام زندانیان مجاهد و مبارز دست زد و در مورد مجاهدین با دست‌خط خود نوشت: سریعاً آن‌ها را نابود کنید.

در اشرف ۱ و لیبرتی، به مدت ۱۴ سال، پروژه بزرگ خامنه‌ای و دستیار جلادش قاسم سلیمانی، تلاش برای انهدام مجاهدین بود. با انواع روش‌های ضدبشری از محاصره درمانی تا شکنجه صوتی، ترور، آدم‌ربایی، غارت و حمله با هاموی و تیغ و تبر.

همین ۱۹ فروردین، پانزدهمین سالگرد کشتار ۳۶ مجاهد اشرفی در حمله دولت دست‌نشانده خامنه‌ای در عراق بود. مجاهدین البته با دست خالی آن حملات وحشیانه را متوقف کردند، اما فشارها به صورت انواع حمله‌ها و موشک‌باران‌ها هرگز متوقف نشد.

می‌خواستند یک نیروی سازمان‌یافته و کارآزموده در نزدیکی مرزهای ایران را که می‌توانست در هماهنگی و همراهی با قیام‌های مردمی، این رژیم را سرنگون کند، از میان بردارند. اما صحنه‌های رزم و نبرد اشرفی‌ها که از سیمای آزادی پخش می‌شد، در شهرها و در زندان‌ها موجی از انگیزش، غرور، خشم و حمایت برانگیخت و برمی‌انگیزد و برخلاف آن چه رژیم می‌خواست، زنان و مردان آزادی‌خواه به این جنبش پیوستند و می‌پیوندند و از مجاهدان آزادی و حماسه‌های آن‌ها درس‌های بسیار می‌گیرند. این همان چیزی است که رژیم را به لرزه می‌اندازد.

همین روزها نیز، مراسم شورانگیز مجاهدین در اشرف ۳ برای تک‌تک این مجاهدان و سربه داران آن قدر انگیزاننده بوده که در شهرهای ایران بازتاب وسیعی داشت و گفته‌اند که چقدر به این مجاهدین سرفرازند. حالا رژیم می‌بیند کانون‌های شورشی و واحدهای ارتش آزادی در تمام استان‌ها در برابر رژیم قد برافراشته‌اند. می‌بیند از صحنه‌های نبرد تا میدان‌های قیام تا زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و حلقه‌های دار، باز مجاهدین و جوانان شورشگر صف در صف به مبارزه برای سرنگونی رژیم شتافته‌اند.

وقتی نسلی به راه و رسم و آرمان این جنبش ایمان آورده است، وقتی برای پیش بردن مبارزه از دستگیری و شکنجه و اعدام ترسی به خود راه نمی‌دهد و آن‌گاه که خط کانون شورشی و ارتش آزادی از تهران و کرج و قم تا مشهد و اهواز و زاهدان و سنندج فراگیر شده است؛ یعنی مقاومت سراسری به چنان توان و ظرفیتی رسیده که می‌تواند به سرنگونی این رژیم دست پیدا کند و دست پیدا خواهد کرد.

غرش آن انفجارها که هنگام تهاجم واحدهای ارتش آزادی به بیت خامنه‌ای از سپیده‌دم ۴ اسفند تا ظهر آن روز از قلب تهران بر می‌خاست، صدای مارش پیروزی است.

از ۲۵۰ رزم‌آور شجاعی که در این تهاجم شرکت داشتند، حدود ۱۰۰ نفر یا به شهادت رسیدند یا دستگیر شدند. راستی که نسل صدهزاران، نسل بی‌شماران و نسل مسعود رجوی هرچه شرایط سخت‌تر می‌شود پرشمارتر، مصمم‌تر و آبدیده‌تر برای نبرد و جنگ صدبرابر و پرداخت بهای حداکثر آماده‌تر می‌شود. همان که مسعود در پیام خود در توصیف این سر به‌داران گفت هفت نماد نسل ضد ضد دیکتاتوری و وابستگی رویان و شکوفا ضد شیخ و شاه با آتش سلاح، خندان و سر به دار مشتاق رویت یار.

### نیروی شکست‌ناپذیر در قلب خلق

مجاهدانی که در ماه‌های اخیر سر به‌دار شده‌اند، از بهروز احسانی و مهدی حسنی در مرداد گذشته، تا این سیزده قهرمان، گواه به‌میدان آمدن نسل نویی از رزمندگان انقلابی ایران‌اند.

به جملات آن‌ها که هر یک اعلان جنگ با دنیای ستم و سرکوب و بی‌عدالتی است، گوش کنید:

اکبر دانشور کار گفت: پرچمی که در دستان محمد حنیف‌نژاد بود، اکنون در دستان من است.

پویا قبادی گفت: محکم و استوار به پای چوبه دار خواهم رفت.

بابک علی‌پور گفت: به جنگ صد برابر با رژیم ولایت فقیه بیا بیا می‌گویم.

ابوالحسن منتظر گفت: بالاترین آرزویم این است که مجاهد بمانم. مجاهد‌گونه بجنگم و مجاهد بمیرم. چرا که این است رسم رستگاری.

و وحید بنی‌عامریان که هم‌شهریانش - مردم عزیز سنقر - او را به‌درستی فرزند ایران نامیده‌اند، گفت: خوشا به جنگیدن و جان فدا کردن در راه آرمان جامعه بی‌طبقه توحیدی. هر یک از این جملات، فشرده ایمان و شور و آگاهی است.

قضایه جلادان زبونا نه اعتراف کرد که شورشگر قهرمان، امیرحسین حاتمی چشم در چشم بازجویان و شکنجه‌گران گفته است که خواهان براندازی رژیم است و به قصد خلع سلاح نیروهای سرکوبگر به میدان آمده است.

ببینید، آن‌ها درست در روزهایی این حرف‌ها را زده‌اند که می‌دانستند و کم‌ترین تردیدی نداشتند که چوبه‌های دار انتظارشان را می‌کشد. اما این سرنوشت را با چشمان باز پذیرفته بودند. دیدید که مجاهد دلیر محمد تقوی رو به دژخیمان رژیم گفت: اگر امروز هم من را آزاد کنید باز هم به مجاهدین وصل می‌شوم.

در کنفرانسی در اعتراض به احکام اعدام محمد تقوی و یارانش در زندان، عکس‌هایشان را بالا بردم، محمد در نامه‌یی برایم نوشت که چرا چهره‌ات در زمانی که عکس‌های ما را در کنفرانس نشان می‌دادی، مغموم بود و نوشت: رستگاری بزرگ من این است که گام‌های زندگی‌ام را در اوج تعهد برای رهایی مردم بردارم.

با آمادگی بی‌مانند به سوی سر به‌دار شدن و حاضر بودن تا آخرین لحظه.

این پیامی بود که من از همه آنها بعد از هر بار اسم بردن یا نشان دادن عکس‌هایشان دریافت می‌کردم. این تواضع و بدهکاری و شجاعت، حاصل انتخاب جانانه‌یی بود که آنها بعد از عبور از آتش‌ها و آزمایش‌های بسیار به آن رسیدند.

در این چندسال هر بار که آنها را برای محاکمه و تجدید حکم اعدام صدا می‌کردند یا به انفرادی می‌بردند، هر لحظه با آنها بودم و می‌دیدم هرچه فشار بالاتر می‌رود، آنها آبدیده‌تر، سرفرازتر، مصمم‌تر و جنگاورتر پیام استقامت و پیروزی می‌دهند.

با نوشته‌هایی در دستشان از پشت میله‌های زندان در ملاقات‌ها، اعلام حضور می‌کردند و با نشاط و سرزندگی، دستشان را به علامت پیروزی بالا می‌بردند و بعد سیل نامه‌ها و تعهداتشان سرازیر می‌شد و سوگند می‌خوردند که دشمن را به شکست و ذلت می‌کشانند.

هم‌چنان که شنیدم در وداع با یاران هم‌بندشان، آنها را به صبر و پایداری دعوت می‌کردند و می‌گفتند چرا ناراحتید ما نزد بقیه یارانمان می‌رویم دشمن را نباید خوشحال کنیم.

ما انتخاب کرده‌ایم که تا آخرش بایستیم و به این انتخاب افتخار می‌کنیم و معلوم است که این چنین دشمن را ناامید کرده و شکست داده‌ایم.

این شش مجاهد سرفراز از میان سنگلاخ شیطان‌سازی‌ها و دروغ‌ها و تهمت‌ها گذشتند، به همه جاذبه‌هایی که آنها را به نه‌جنگ و فرار از پرداخت بها فرامی‌خواند، پشت کردند، از شغل‌شان، زندگی‌شان، خانواده‌شان و سرانجام از جان‌شان گذشتند. و این راز پایداری آنهاست.

آری، خلقی که چنین نیروی شکست‌ناپذیری در قلب خود دارد، به قدرت شکست دادن دشمن دست یافته است.

با درود به زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز که بیش از دو سال است کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» را با شجاعت تمام پیش می‌برند.

با درود به زندانیان زیر حکم اعدام که با استواری و استحکام‌شان جوانان ایران را به مبارزه برمی‌انگیزند و با درود به شهیدان سربهدار که پیکرهای پاک‌شان بر بالای دار، درفش سرخ‌فام قیام بزرگی است که در راه است.

سلام بر شهیدان

سلام بر آزادی